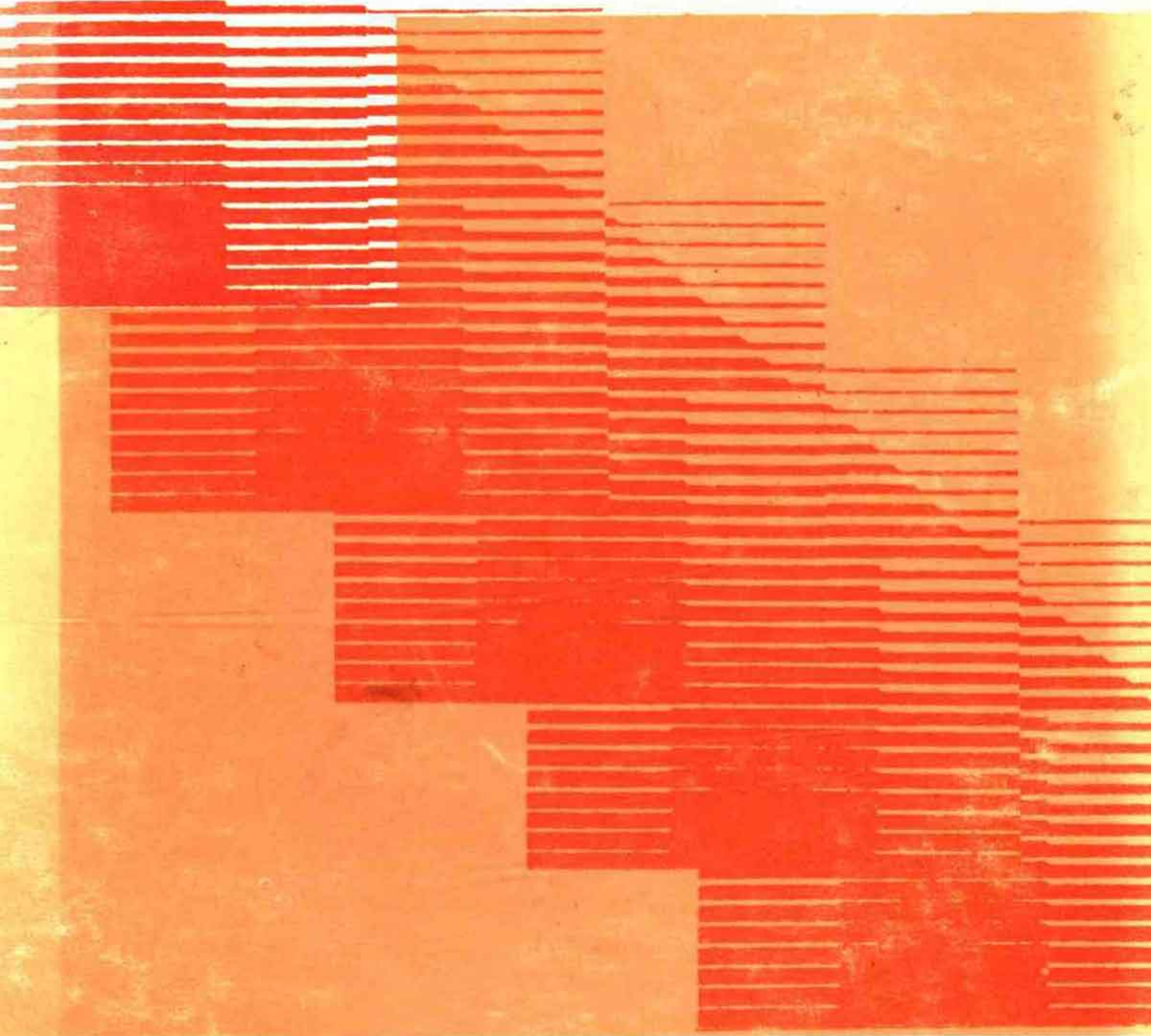


تألیف : سید محمد باقر صدر
ترجمہ : سید مہدی آیت اللہی

فہضت و انقلاب مہدی^(ع)



نوشتہ سید محمد باقر صدر

نہضت و انقلاب مہدی (ع)

ترجمہ: سید مہدی آیت اللہی

نام کتاب: نهضت و انقلاب مهدی
نویسنده سید: محمد باقر صدر
مترجم: سید مهدی آیت اللهی (دادور)
حق طبع: برای مترجم محفوظ
قطع: جیبی
چاپ: پیروی
تیراژ: ۲۰۰۰

اهداء

این کتاب را به پدر بزرگوارم که از آغاز جوانی عاشق و شیفته حضرت مهدی (ع) بود و همچنان با سخنرانیهای منطقی و آتشینش با دشمنان حضرت درگیر بود در منطقه خود توانست آنان را محکوم سازد و بنیانشان بر اندازد و هنوز هم با عشقی سوزان در این راه گام بر میدارد تقدیم میکنم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعتقاد به يك منجی جهانی اختصاص به اسلام ندارد، همه ملت‌هائی كه دارای پناهگاه مذهبی هستند انتظار چنین روزی را دارند بلکه می‌توان گفت كه این خود يك احساس فطری و ندای باطنی است كه از درون هر انسانی بلند است؛ همه انسانها چشم‌به‌راه روزی هستند كه رسالت الهی صورت گیرد و همه به رشد و كمال نهائی خود برسند حتی آن‌هائیکه دارای يك ایدئولوژی مادی هستند روزی را انتظار دارند كه مكتبشان سراسر جهان را فرا گیرد و مغزها را بسوی خود كشد.

ایمان به وجود مهدی دارای يك نیروی محرك و سازنده است كه زبونی و بی‌اثری در او راه ندارد زیرا مكتب

و بر نامه اش مبارزه با ظلم و نابسامانیها است.

در آن روزی که کاخهای جبروتی به مردم زور میگویند و انسانها به تجاوز و ستم مشغولند و مسیر زندگی از حالت طبیعی و آرامش بصورت يك صحنه آتش و دود بیرون آمده و وضع غیر طبیعی نمودار گشته هر انسان آگاه و هوشیاری خواهد دانست که این وضع غیر طبیعی قابا دوام نیست و باید انتظار روزی را داشت که يك فرد متعهد و مسؤول و آگاه و نیرومند و طبیعی با پیام و رسالت الهی سیمای امید بخش خود را بجهانیان خواهد شناساند و بانندای ملکوتی و نهضت شمشیر و خون ارکان ستم خدایان خیالی که عاملان ایجاد محیط غیر طبیعی بوده اند در هم خواهد کوبید و نقابها و پوششهای کاذب را به دور خواهد افکند.

مسأله انتظار که یکی از ثمره های ارزنده اسلام است صفحات درخشان تاریخ را پر کرده و احساس ستم دیدگان را برانگیخت و با دگرگونی افکار مسأله غیبت را به واقع و آینده را به حاضر تبدیل ساخت و به گوش جهانیان زمزمه کرد که این نجات بخش در کنار شما و در میان شما است.

اودر محیطی زیست میکند که شمارندگی میکند؛
اوشمارا می بیند و شما اودرا می بینید اما نمی شناسید وی بسان
مردان پاکدل و متعهد و مسؤل که از محیطهای سوزناک
و پرگداز ستم رنج میبرند اوهم رنج می برد.

زیرا امام و رهبر زنده و حاضر است و در دردها و سوزهای
اجتماع شریک می باشد ولی او انتظار لحظه ای را می کشد که
مأموریت سکوتش پایان پذیرد و درخششی از طرف مردم
ستم دیده و اصلاح طلب آغاز گردد آنگاه دست از آستین
قدرت بیرون کشد و بنجات ستم دیدگان تاریخ بشتابد و
اساس و بنیان ستمگران درهم فروریزد و به انتظار پایان دهد.

اوهم از محیطهای جهنمی رنج می برد و از خلاف
کاریها و خلاف گوئیها و آزارهای ضد انسانی در گداز
است ولی او چاره ای جز انتظار روز موعود ندارد رسالت او
شمشیر و خون است که باید در شرائطی انجام پذیرد که
جامعه های انسانی در لب پرتگاه سقوط کامل قرار
گرفته و همانطور که روایت میگوید «سراسر جهان ستم
و بیعدالتی فرا گرفته باشد» ولی در عین حال در کنار اجتماع

انسانی خویش را در غمها و نگرانیها شریک ساخته و بانهضت‌ها و شعارهای زنده داصیل اسلامی همکاری مینماید و به خفتگان و تن پروران تاریخ که بخاطر رفع مسئولیت از خود، آئین و مکتبش را منفی جلوه داده همه مسئولیت‌ها را به دوش او انداخته‌اند هشدار میدهد و به ایشان فریاد می‌زند که شما هم مسئولید زیرا اسلام را پذیرفته و خود را مؤمن می‌دانید؛ باید آگاه باشید که اسلام تعهدآور و انتظار که یکی از ثمره‌های او است غیر از این نیست.

کسانی که مسأله انتظار را از دید منفی می‌نگرند در برابر این مسأله زنده و سازنده گرفتار اشکالات و پرسش‌هایی میشوند که عبارتند از:

۱- چگونه می‌شود یک انسان بیش از ده قرن زندگی کند و این عمر ادامه یابد گرینز از قانون طبیعی که هر انسانی را با گذشت زمان بمرک نزدیک می‌سازد چگونه برای مهدی امکان پذیر است؟

۲- چگونه خداوند برای مهدی امتیاز خاصی در نظر

می گیرد و قانون طبیعی عمر و گذشت زمان که بایستی در مَرَك همراه است در باره این موعود جهانی تعطیل میکند؛ و عودی که از نظر ساختمان جسمی و بشری با دیگران فرقی ندارد و بسا دیگران در جامعه کنونی زندگی میکنند و با گذشت زمان عمر را پشت سر میگذارند و با نام لایمات جهان متأثر میشود.

۳- وقتی که منجی جهانی فرد خاصی در نظر گرفته شود که فرزند امام یازدهم باشد که در سال ۲۵۶ هـ تولد یافته و در سال ۲۶۰ هـ پدرش (امام حسن عسکری ع) وفات یافته و در زمان وفات پدر کودکی بوده که سنش از ۵ سال تجاوز نمی کرده و در این سن بخوبی نتوانسته از مکتب بارور پدر بهره برداری نماید چگونه میتواند در آینده آئینی زار هبری نماید که احتیاج به بینش فوق العاده فکری و علمی دارد؟

۴- چگونه می شود به رهبری ایمان داشت که حیات و زندگی او بصورت يك فرضیه بدون اینکه متکی به دلایل علمی باشد ارائه شده و مدرك تنها روایاتی است که

از پیغمبر و ائمه رسیده و این مدارك شرعی در برابر اساس و قوانین مسلم عامی طبیعی قانع کننده نمیباشد.

د- يك فرد به هر قدرت و نیروئی که باشد برایش امکان پذیر نیست که خود به تنهایی يك جهش و تحول عمیق اجتماعی ایجاد کند و ملت‌ها را به مرحله‌ای از تاریخ رساند که باید با امروز و زمان و حرکت تاریخی به آن درجه رساند.

ع- چگونه برای يك فرد امکان پذیر است که غول‌های قدرت و ستم جهان درهم کوبد و با يك حرکت سریع بر همه نیروها پیروز شود و دست ستمگران تاریخ که سالها در سایه قدرتهای نظامی و سیاسی و اقتصادی رقا و مخالفین خود را نابود ساخته و وحشت و هراس در دلها ایجاد کرده کوتاه سازد و بجای قوانین ظالمانه تحمیلی مقررات عدل انصاف جایگزینش سازد .

اینها پرسشهایی است که پاره‌ای از مردم نا آگاه به نهضت و قدرت مهدی میکنند و ما با توفیق الهی می‌خواهیم تا آنجا

که قدرت قلم در این اوراق اجازه دهد به این پرسشها
بطور اختصار و فشرده پاسخ دهیم.

چگونه مهدی عمر
طولانی دارد؟

آیا ممکن است مهدی چنین عمر طولانی نماید عمری
که در حدود ۱۱۴۰ سال مساوی با ۱۴ برابر عمر انسان
طبیعی که از دوران کودکی تا دوران پیری و مرگ می باشد؟

پاسخ:

کلمه امکان می توان به سه صورت فرض کرد .

۱- امکان عملی

۲- امکان علمی

۳- امکان منطقی و فلسفی

مراد به امکان عملی امکانی است که برای انسان
انجام آن عملی شود مانند اینکه انسان امروز می تواند زیر
دریا زندگی کند و آسمان را مسخر قدرت خویش سازد و به

کره ماه قدم گذارد

۲- امکان علمی آن است که هنوز قدرت علمی بشر نتوانسته به کارهایی که مورد توجه او است برسد ولی گسترش علم و کشف مجهولات به او چنین امکانی را می دهد که یک روز به آرمان خود لباس عمل بپوشد.

مانند تسخیر کره زهره و خورشید که هنوز برای دانشمندان فضائی حل نشده و دانشمندان در اندیشه این هستند که برای موشکهای فضا نورد خود راهی بیابند که از یک طرف قدرت سرعت آنها را زیادتر ساخته و از طرف دیگر ساختمان موشک از جنسی باشد که اشعه و نور ذوب کننده خورشید او را نابود نسازد این ایده گر چه هنوز بمرحله عمل نیامده ولی قدرت علمی فضائی ایشان، که قلب فضا را شکافت و تئوری تسخیر ماه عملاً انجام گرفت چنین امکانی را می دهد که تسخیر کره خورشید و کره زهره روزی عملاً انجام گیرد.

۳ - مراد به امکان منطقی و فلسفی آن است که عقل او را محال می شمارد مانند تقسیم سه بر تقال بدون

کسر به دو نصف .

در اینجا عقل چنین قضاوت را دارد که چون سه پرتقال فرد است تقسیم آنها به نصف مساوی امکان پذیر نیست زیرا چنین تقسیمی لازمه عدد زوج است در حالی که خود فرد است نتیجه اینکه لازم می آید که سه پرتقال هم زوج باشند و هم فرد و این تناقض است و تناقض از نظر منطق و فلسفه محال است .

ولی داخل شدن در آتش بدون سوزندگی یارفتن به کره پر حرارت خوردشیده محال منطقی و فلسفی نیست زیرا اگر ما فرض کنیم:

«جسمی که حرارت کمتر دارد نمی تواند از جسمی که حرارت بیشتر دارد حرارت بگیرد تا خود را در حرارت مساوی با او سازد» .

فرضی مخالف با قانون علمی تجربی که چنین چیزی را ثابت کرده نموده ایم ولی در فرض خود تناقضی نمی بینیم ما می دانیم که دامنه فعالیت و گسترش امکان منطقی بیشتر از امکان علمی است و امکان علمی بیشتر از

امکان عملی.

در این صورت شکی نیست که ادامه عمر انسان و رسیدن به هزاران سال امکان منطقی و فلسفی دارد و عقل این را مجال نمی‌شمارد و تناقضی هم در او راه ندارد.

همچنان شکی نیست که ادامه عمر انسان به هزاران سال امکان عملی را ندارد و مانند زندگی در دریا و رفتن بکره ماه نیست که عملاً ثابت شده باشد.

زیرا ما میبینیم که بشر با آن قدرت علمی بهداشتی و فیزیولوژی با آن تلاش شبانه روزی خود هنوز نتوانسته عمر خود را بیش از عمر طبیعی بسازد.

ولی امکان علمی چنین چیزی را مجاز می‌شمارد و این نظریه را رد نمی‌کند زیرا دانش فیزیولوژی ثابت کرده که ساختمان بدن از میلیاردها سلول و یاخته تشکیل شده که با مرور زمان سلول‌های پیر و فرسوده از بین می‌روند و سلول‌های جوان جای آنها را میگیرند و با این برنامه حیات ادامه می‌یابد آنچه انسان را فرسوده می‌کند و سلول‌ها را از فعالیت و کار بازمی‌دارد و مرگ به همراه می‌آورد دشمنهای

خارجی انسانند سمومات و میکروبهای مضرند که از راههای مختلف وارد بدن میشوند و بیچنگ و نزاع با سلولها برخورد کرده و آنان را فرسوده و ناتوان می کنند و گاهی آنان را شکست داده و مرگ بهمراه می آورند .

وقتی که پیری و شکست و مرگ نتیجه پیکار سلولها با عوامل و دشمنان خارجی باشد قانون علمی طبیعی و فیزیولوژیکی این اجازه را می دهد که در صورت نبود پیکار ادامه حیات امکان پذیر است .

مضافاً به اینکه دانشمندان فیزیولوژی بر همین اساس ثابت کرده اند که پاره ای از افراد در سن جوانی پیر و شکسته میشوند و دچار پیری زودرس میگردند و پاره ای در سن پیری طراوت و جوانی خود را از دست نمی دهند .

تا آنجا که گروهی از فیزیولوژیست ها با آزمایش عملاً ثابت کرده اند و عمر پاره ای از حیوانات را به چند برابر عمر طبیعی رسانده اند .

در این صورت طول عمر انسان و ادامه حیات در قرنهای مختلف امکان منطقی و علمی دارد .

وای هنوز قدرت علمی بشر با آن همه تلاش پیگیر
توانسته این نظریه را عملاباثبات برساند .

اینجا است که طول عمر مهدی از دید گاه علم و فلسفه
اعجاب انگیز و شگفت آور نیست جز اینکه این ایراد می ماند
که چگونه مهدی توانسته است این نظریه علمی را برای
خود در قالب عمل در نزد دانشمندان در این وادی
سرگرداند و بجائی نرسیده اند .

در پاسخ باید گفت :

اولاً ما نظیر چنین عملی را در تاریخ علمی انسانی
می یابیم زیرا ما بخوبی درک میکنیم که دانشمندان سالها
برای کشف يك معما و راز علمی کوشیده و بجائی نرسیده اند
ولی يك نفر دانشمند با تلاش مداوم خود در مغزش يك جرقه
علمی زده و آن راز را کشف کرده و انسانها را از مرگ نجات
داده است مانند کشف پاره ای از داروی دردهای مرگزایا
کشف داروی ضد سرطان در آینده .

دانشمندی که با اندا و خته های علمی خود به کشف
يك راز علمی میرسد و دانشمندان جهان را به اعجاب و شگفتی

و اداز میکند و نظر بدهای علمی را عملاً نشان می دهد برای دیگران قابل قبول میشود و ابهام و ایرادی در افکار نمی گذارد .

چگونه برای مهدی (ع) که ذخائر علمیش از جانب خداوند آگاه است امکان چنین کاری نباشد او قبل از آن که قدرت علمی دانشمندان این راز را کشف کند و پس از صدها سال تلاش علمی ، به او دسترسی یابد در سایه آگاهی وینش الهی راه صد ساله را در يك لحظه میرود همچنانکه این راه جد بزرگوارش رسول اکرم اسلام با اشاره حق پیمود و در يك لحظه از مسجد الحرام بمسجد اقصی شتافت (۱)

رازی که در آن روز بفرمان حق بدست پیغمبر اسلام عملی کردید و پس از صدها سال علم توانست با و دسترسی یابد و بان راز آگاه شود .

• ضمناً بر این ، قرآن نمونه هایی را از قدرت توانای خداوند نشان میدهد که آنان در سایه وحی و آگاهی الهی

۱- سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی

المسجد الاقصی .

به مجهولانی راه یافته اند که قدرت علمی بشر از رسیدن به آنها عاجز است .

مانند نوح پیغمبر که قرآن میگوید :

در میان ملت خود مدت ۹۵۰ سال ماند و پس از طوفان برای خود و پسرانش جهانی جدید ساخت .

در پایان باید بدانیم که طول عمر امام زمان شگفت انگیزتر از این نیست که او جهانی تاریک را که در لحظات مرگ و نیستی است در یک لحظه زنده سازد و سرعت بشم رساند و یک محیط ایده آل بوجود آورد .

کاری که مصلحان جهان باید صدها سال رنج به کشند و جامعه را در مسیر تاریخ قرار دهند تا شاید یک محیط مساعد و روشنی بسازند او در یک مدت کوتاه عملی می سازد و راه هزار ساله را در یک لحظه می پیماید .

معجزه و عمر طولانی :

اگر فرض کنیم که قانون طبیعی عمر یک قانون لایتغیر طبیعی است و عمر مهدی و نوح برخلاف این قانون طبیعی می باشد ولی طول عمر و ادامه زندگی برای پاره ای

از افراد خاص بصورت يك اعجاز خواهد بود و آن طور که
قرآن در این باره سخن میگوید:

عمر مهدی يك اعجاز منحصر بفرد نیست زیرا قانون
پیری و شکستگی مهمتر از قانون «انتقال حرارت از جسم
داغتر به جسمی که حرارتش کمتر است تا حرارت آنان
مساوی شود» نیست.

و بدیهی است که این قانون راجع به ابراهیم قهرمان
توحید از کار افتاد و در آن وقت که نمرودیان ابراهیم را
در میان شعله های سوزان آتش افکندند خطاب:

یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم (۱)
از من کز ذوالجلال صادر شد و او بدون هیچ آسیبی
از من که نجات یافت.

یا شکافتن دریا به وسیله موسی و عبور خود و یاران
و غرق شدن فرعون و فرعونیان و یا مشتبه شدن عیسی بر
رومیا در آن وقت که عیسی را برای دار زدن آماده
ساختند و خداوند با انجام يك اعجاز در نظر رومیان چنان

۱- ای آتش بر ابراهیم سرد و ملایم باش انبیاء - ۶۹.

جلوه داد که عیسی به دار آویخته شده وی را از مرکز
رها کنید .

یا اینکه پیغمبر اسلام در وقتی که دشمنان اطراف
خانه اش محاصره کرده بودند تا وی را بکشند، او از میان
آنهمه جمعیت بیرون رفت بدون اینکه دشمنان حضرتش
را بشناسند و خداوند با قدرت توانای خویش پیغمبرش را
از دیده های دشمن مستور و پنهان کرد .

همه اینها و صدها نمونه دیگر شواهد زنده ای است
که پروردگار برای مدتی قانون طبیعی را درباره کسانی
که خود می خواهند تعطیل میکنند .

مانند آنکه قانون شیخوخت و پیری مانند همین حوادث
درباره مهدی بر اساس حکمت و مصلحت خویش تعطیل
فرمود .

زیرا خدای آگاه وقتی مصلحت بداند که باید
شخص مورد نظرش به حیات خود ادامه دهد تا مأموریت
مهمی را که بر عهده اش گذاشته شده به ثمر رساند چنین
کاری را خواهد کرد همچنانکه اگر مصلحت بداند که

ادامه حیات و زندگی را از شخصی بازستاند در حال سلامتی
پیوند حیات را قطع میکند.

از این جریانات نباید چنین اندیشید که این عمل
نقض قانون علمی است زیرا منشأ قانون طبیعی ضرورت
روابطی است که بین اشیاء وجود دارد بدین صورت که
هر گاه موضوع اول بیاید دوم هم خواهد آمد و علم در
پی آن نیست که بین دوشیئی ضروری علاقه سببی اثبات
کند بلکه کارش گشایش و روشن کردن رابطه‌ها است.

معجزه این کار را می‌کند که رابطه بر می‌دارد و
موضوع اول را که آمد دوم نمی‌آید (مانند رابطه بین
آتش و سوز که وقتی آتش آمد سوزندگی نمی‌آید) (۱)
در این صورت اعجاز کارش جدا کردن علاقه‌های سببی از
سبب نیست تا ایراد شود که اعجاز شکستن قانون لایتغیر
طبیعی است و چرا؟ بلکه يك حالت استثنائی از اقتران و
تتابع دو چیز بدیهی است بدون اینکه لطمه‌ای به قانون
ضرورت یا رسیدن به يك امر محالی باشد.

اما بر اساس منطق استقرائی ما با نظرهای علمی

روز همراهم که می گویند استقراء کارش کشف علاقه و رابطه
ضروری بین دوشیئی ظاهر نیست ولی به استمرار تقارن و
تعاقب و هماهنگی بین دوشیئی ظاهر و وجود تفسیر مشترک
دلالت دارد .

و این تفسیر مشترك همانطور که می توان در قالب و
بر اساس يك فرض ضرورت ذاتی ریخت همانطور می توان
در قالب و اساس حکمتی که نظام جهان اقتضا دارد و مدام
بین ظواهر روابط ایجاد میکند قرارداد و همان حکمت و
نظام متقن جهانی است که گاهی استثنائاتی به وجود می-
آورد که به معجزه تعبیر می شود.

چرا خداوند به طول عمر
مهدی توجه دارد؟

در این بخش ما به سؤال و پرسش دیگری برخورد
میکنیم و آن اینکه چرا خداوند به این انسان توجه
خاصی دارد؟

چرا تنها بخاطر او قانون طبیعی را تعطیل میکند و
بر خلاف این قانون عمر او را طولانی میسازد چرا رهبری
انقلاب را به مردی می دهد که آینده انتظارش را داشته
باشد و بعبارت دیگر فایده این غیبت طولانی چیست؟

پاسخ: بیشتر مردم این پرسش را می کنند و نمی-
خواهند يك پاسخ مذهبی بشنوند آنان در اندیشه و انتظار
يك جواب علمی هستند.

ما خود ایمان داریم که پیشوایان دوازده گانه

مجموعه منحصر بفردی هستند که امتیازی با هم در جهت رهبری ندارند .

ولی سؤال کنندگان می خواهند بر اساس يك تفسیر و برداشت اجتماعی از این کار آگاه شوند ما بر این اساس نظر خود را متوجه خصائصی می کنیم که بصورت فراوان در ائمه طاهرین وجود داشته سپس سئوالی دیگر مطرح می نمائیم و آن اینکه ما بخوبی می دانیم که تا زمان ظهور امام تحولاتی صورت گرفته آیا ممکن است چنین امامی در عصر دیگر کونیهای اجتماعی رهبری آن ملت را به دست بگیرد؟

در جواب باید گفت :

درست است که در عصر درخشش امام تحولات عمیق اجتماعی و علمی و صنعتی صورت گرفته و احتیاج به وجود يك رهبر فوق العاده است .

رهبری که از نظر آگاهی و احساس منحصر بفرد باشد ولی باید دانست که امام همه ارزشهای يك رهبر فوق العاده را دارد زیرا امام در آن مدتی که در میان اجتماع زندگی

کرده خود، ناظر تحولات تاریخی بوده و همه این مراحل را که برای دیگران قابل درک نیست خود، حتماً دریافته و همه جنایات تاریخی را از نزدیک ناظر بوده است در این صورت بر اساس قانون طبیعی که در این عصر باید رهبر جهانی تمام آگاهیهای دوران تاریخ را دارا باشد و نمی توان يك نفر که زاده عصر تحول است این رهبری را به دست گیرد، امام تمام این مراحل تمدن انسانی را که با درخشش و با تاریکیها همراه بوده کاملاً خود، درک کرده است آگاهی او بر اساس متون تاریخی نیست که بتوان در او ایراد و انتقاد کرد و یا او مانند دانشمندان اجتماعی فرانسه «ژان ژاک روسو» نیست که سخنانش بر اساس عصر زیست او باشد و بگوید با این تحولات ممکن است حکومت فرانسه سقوط کند و در عصرهای مختلف تحول به سر برده و در وجودش آگاهیهای تاریخی عمیقی نهفته است.

داستان اصحاب کهف خود، نمونه کوچکی از این واقعه تاریخی است در آن وقتی که تعدادی از مردان پاك دل و مبارز در زمان حاکمی جنایتکار می زیستند فشارها و

ناراحتیها، آنان را در مشکلات طاقت فرسایی قرار دادیأس
و ناامیدی بر آنها چیره گشت و در پیچه های امید و آرزو
رویشان بسته گردید به غار کوه پناهنده شده. و از خدای
خود گشایش کار را خواستار گشتند.

خداوند ایشان را سیصد سال بحالت خواب قرارشان
داد سپس آنان را بیدار ساخت تا ایشان به جایگاه اولی
خود بر گردند و تحولاتی را که در این دوران ایجاد شده است
بینند و از سقوط و نابودی دوران گذشته و تاریک و پیدایش
دوران جدید و عصر آگاهی، اطلاع بیشتر یابند، دورانی که
دیگر ترس و وحشت و لرزش دوران گذشته را نداشت

همه این حوادث که برای اصحاب کهف اتفاق می
افتد برای آن است که خود با دیده های خویش پایان
دوران ستم و جنایت و پیدایش عصر جدید بینند که باطل
در نهادشان بی ارزش و حق نیرومند و استوار گردد.

اگر اصحاب کهف دوران دشوار و سقوط آن رژیم
گذشته را بخوبی آگاه میشوند رهبر آینده جهانی بخوبی
دوران و عصرهایی را که پشت سر گذاشته و بخوبی به تحولات

گذشته و سقوط رژیمها و قدرتها آگاهی دارد اضافه بر
این تجربه‌هایی که رهبر آینده جهان از تحولات اجتماعی
و تاریخی و تمدنهای پیوسته جهان به دست می‌آورد اثر
عمیقی در فکری ایجاد میکند و به رمزها و روشهای اجتماعی
و رنگهای مختلف آگاهی عمیقی می‌یابد همه این نتایج
و برداشتها برای رهبر آینده‌ای است که رسالت اسلامی
خود را به ثمر می‌رساند رهبری که آگاهیهای تاریخی
زمان خود را از مشاهدات خویش به دست می‌آورد و
دوران ماقبل خود را از متون اصیل اسلامی.

چگونه رهبر آینده
کامل است؟

رهبر آینده در سن ۵ سالگی بود که پدرش را از دست داد در این سن طفولیت چگونه خود را از چشمه فضیلت سیراب ساخت و آماده گی رهبری پیدا کرد ؟

پاسخ:

باید گفت که امام پس از درگذشت پدر؛ مقام امامت و رهبری امت را یافت و در همان سن تمام شرائط رهبری از نظر فکر و روح دارا بود و این تنها امامی نبود که در این سن و شرائط باشد بلکه پیشوایانی هم که قبل از او بودند از نظر سنی خیلی جوان بودند مثلاً امام جواد از زمانی رهبری امت را یافت که در سن ۸ سالگی بود و حضرت هادی در سن ۹ سالگی و امام حسن عسکری پدر مهدی در سن ۲۸ سالگی

بودند از همه آنها جوان تر و کم سن و سالتر امام مهدی بود
اینان احتیاج نداشتند که ذخائر فکری و روحی و تجربی
خود را از میان مردم به دست بیاورند بلکه همه از دریچهای علوم
الهی بدون زحمت و رنج و نجر به به دست آورده بودند توضیح
این مسأله باز کر چند نکته و مقدمه به دست خواهد آمد
۱- خلافت و رهبری ائمه طاهرین بسان سایر قدرتهای
حاکم که از راه توارث یا از راه نفوذ قدرت مانند خلفای عباسی
و فاطمی و غیره به دست نمی آید بلکه بخاطر داشتن قدرتهای
روحی و فکری، لیاقت رهبری آنان را می ساخت و اساس
رهبری ایشان تشکیل می داد، مردم وقتی چنین توسعه و
گسترش فکری و روحی و معنوی از ایشان می دیدند با تمایل
و رضایت خاطر ایشان را به رهبری انتخاب میکردند در
واقع از یک طرف يك انتخاب الهی بود که همه جهات و
شرایط رهبر در وجودشان جمع بود و از طرف دیگر چون مردم
چنین مرتبه و نیروئی در ایشان می دیدند حکومت و
زمامداری آنانرا از جان و دل می پذیرفتند.

۲- از آغاز صدر اسلام جهان شاهد سازندگی و قدرت

و نبوغ الهی آنان بود مکتب سازندگی و جوشش چشمه‌های
فضیلت آنان در زمان امام محمد باقر و امام جعفر صادق که
امکانات بیشتری حکمفرما بود گسترش فوق‌العاده‌ای یافت
تا آنجا که در مکتب و دانشگاه خود صدها نفر از فقیهان
چیره دست و مفسران آگاه پرورش دادند و جامعه اسلامی
بایک حرکت فکری عمیق به جلو بردند و به مسائل لازم آگاه
ساختند.

از این رو «حسن بن علی و شا» می گوید من وقتی به
مسجد کوفه وارد شدم دیدم ۹۰۰ نفر دانشمند گرد هم
آمده‌اند و همه از جعفر بن محمد سخن می گویند.

۳- گسترش علوم اسلامی و آگاهی علمی مردم چنین
قضاوت میکرد که باید رهبر امت اسلامی از نظر فکری و
علمی از همه بالاتر باشد و در این شرائط کسی جز بازماندگان
رسول الله که وارث علوم و کمال حضرتش بودند نمیبود.

۴- پرورش یافتگان مکتب اهل بیت و رهبران راستین
اسلام بخاطر اینکه جهش‌های فکری و روحی در توده‌های
مردم ایجاد می کردند پیوسته با خلفا و زمامداران آن روز

درگیری پیدامی نمودند زیرا امامداران با این برنامدهای سازنده خود را در خطر سقوط می دیدند آنان می خواستند توده های مردم در خفقان روحی و فکری و سبکسری بمانند تا نفوذ و تسلط و فرمانروائی خود زنده نگهدارند از این رو بخاطر طرفداری از رهبران آگاه و مسئول گشته می شدند و صدها نفر از ایشان در زندانهای تاریک شکنجه می دیدند و با همه این فشارها دست از عقیده راسخ و زنده خود که تنها ایمان به رهبری امامان و اهل بیت بود بر نمی داشتند و بار رنجها و مصائب رادر راه حق و انجام رسالت و تعهدات الهی خویش با رضایت خاطر بردوش می کشیدند تا به خدای خود بهتر و بیشتر نزدیک شوند.

۵- رهبران اسلامی و امامان و پیشوایان بزرگ امت که جانشینان بیغمبر بودند خود را از دیگران جدا نمیدیدند و بسان زمامداران جبار تاریخ که در قصرها و منزلگاههای مرفه بایی تفاوتی و بی اعتنائی؛ بدخوشگذرانی و عیاشی مشغولند نمی بودند بلکه پیوسته خود را در رنجها و شکنجه های مردم بی سلاح شریک می ساختند جز آنکه قدرت حاکمه

ایشان را در زندان بردویا تبعیدشان سازد و باین وسایل رابطه
آنان را با توده های مردم قطع کند ما همه این نمونه ها را در
میان روایاتی که محدثین اسلامی نقل کرده اند در می یابیم
به اضافه اینکه نامه هایی که امامان به کلاخود می نوشتند
و یادآوریهائی که می کردند و سخنانی که به دوستان خود در
وقتی که از طریق مکه پس از انجام مراسم حج به ملاقاتشان
می شتافتند می گفتند همه نمونه ها و الگوهای انجام
رسالت و وظیفه دینی رهبران راستین است.

ع- زمامدارانی که معاصر با ائمه طاهرین بودند
از رهبری فکری و روحی آنان بیم داشتند و خود را در خطر
سقوط می دیدند از این رو با شدت می کوشیدند که مقام
رهبری را از ایشان بگیرند و یا رابطه آنان را با مردم قطع
کنند برای انجام نظر خود از هیچ جنایت دست می کوتاهی
نمی کردند و با سنگدلی و خشونت امامان را آزار می دادند
در نتیجه مردم آگاه و دوستان وفادار را خشمگین می ساخت
و شور و احساسات آنان را بر می انگیزت.

از آنچه که از وظائف رهبر و انجام رسالت و پرورش

یافتن توده‌های مردم به دست ایشان گفته شد، به دست
می‌آید که امام دوازدهم که در عصر پدرش در سنین طفولیت
بود تمام شرائط امامت و رهبری امت را دارا بود چگونه
می‌توان پذیرفت که آن کودک بدون داشتن آن شرائط دعوی
امامت و رهبری کند و همه دانشمندان و مردم آگاه که پرفروش
یافتگان و آشنایان به شرائط رهبری اسلامی بودند دعوی
اورا بپذیرند و اورا به رهبری قبول کنند، مرده‌ی که از
نظر آگاهی و بیداری خود جبهه‌های سازنده اجتماع بوده
و به قواعد و اساس و بنیان اسلامی آگاهی کامل داشتند
چگونه می‌توان پذیرفت که امام خردسال از نظر فکری
و ایدئولوژی هم خردسال باشد ولی در خلال مدت زعامت
و امامت هیچگونه خلاف، انحراف فکری و روحی از وی
مشاهده نشود و مردم آگاه و وارد از فکر کود کانه و نارسای
او مطلع نگردند و یا اینکه زمامداران که قطعه هدف و برنامه
خود نابودی این دو دمان قرار داده و صدها دانشمند و ادیب
به استخدا و مزدوری در آورده و به دنبال نقطه‌های ضعف
رهبر امت اسلام می‌گشتند هیچ بهانه‌ای از نظر فکری و علمی

واید‌های نیابنده‌ها اینها خود نشانگر لیاقت رهبر خردسال است امامی که از نظر سن كودك ولی از نظر فکر و روح و ایدئولوژی همانندی ندارد امامی که قدرت امامت و رهبری‌ش دیده‌های دانشمندان و آگاهان هم عصر خود بسوی خویش جلب کرده است.

این اولین نمونه تاریخی مکتب الهی نیست بلکه در مسیر رسالت‌های الهی از این نمونه‌ها و الگوهای فراوان هستند که قرآن در مواردی از آنان نام می‌برد.

(همانند عیسی بن مریم که در گه‌واره شهادت به بیگناهی مادرش می‌دهد و خود را به عنوان پیامبر و رهبر معرفی میکند و می‌فرماید :

(قال انی عبدالله آتانی الکتاب و جعلنی نبیاً)
«آن كودك گفت: همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرموده» (۱))
و یا پیرامون یحیی می‌فرماید:

(یا یحیی خذ الکتاب بقوة و آتیناه الحکم صبياً)

۱- سوره مریم آیه ۲۹.

« و به یحیی خطاب کرده کہ تو کتاب آسمانی را
بقوت نبوت فراگیر و به اود در همان سن کودکی مقام نبوت
بخشیدیم » (۱)

چگونه به وجود مهدی
ایمان داشته باشیم؟

پس از آنکه عمر طولانی و لیاقت زمامداری مهدی
در دوران کودکی گفتیم به ایراد دیگری آگاه می شویم و
آن اینکه همه سخنان، امکان وجود مهدی را می رساند و
ما يك سند قطعی که وجود مهدی را از دریچه تاریخ اثبات
کنند در دسترس نداریم.

پاسخ: انقلاب مهدی و تحول جهان بدست توانای وی
از طریق روایات و احادیث نبوی عموماً و از طریق قائمه طاهرین
خصوصاً وارد شده است روایات و گفتار پیغمبر و ائمه در
مرحله و درجه‌ئی است که برای هیچکس شك و تردیدی در
وجود حضرت و انقلابش نمی گذارد در حدود ۴۰۰ حدیث از

پنجمین (۱) و ۶۰۰۰ هزار حدیث از ائمه طاهرین پیرامون
وجود انقلاب مهدی رسیده و این رقم بزرگترین گواه و
مدرك برای اثبات و زدودن شك و تردید است ما در
پیرامون هیچ موضوع بدیهی اسلامی این قدر روایات و مدرك
نداریم.

ولی رنك آمیزی این فکر در امام دوازدهم بوسیله
شواهد و مدرك متقن راه دارو شن و صاف میسازد ما این مدارك را
در دو دلیل خلاصه میکنیم.

۱- دلیل اسلامی

۲- دلیل علمی

۱- در دلیل اسلامی از طریق روایات مختلفی که در
دست است برای هر فردی که معتقد به گفتار پیشوایان مذهبی
باشد بخوبی آگاهی شود که مسأله وجود و انقلاب مهدی
بصورت يك افسانه و خیال نیست بلکه يك حقیقتی است که
از راه تجربه تاریخی به اثبات رسیده است.

-
- ۱- کتاب «المهدی» تألیف مرحوم عمویم آیت... صدر
 - ۲- کتاب منتخب الاثر تألیف دانشمند محترم آقای لطف الله صافی

صدها دلیل و روایات اسلامی از پیغمبر و ائمه هدی از مهدی موعود سخن می گویند و همه بایان روشن اظهار می دارند که وی فرزند فاطمه و نهمین فرزند حسین و دوازدهمین امام است با توجهی که ائمه به مسأله غیبت حضرت داشته اند از بیان و شرح صفات و شرائط غیبت و شرائط ظهور آن حضرت چیزی فروگذار نکرده اند .

تنها کثرت و فراوانی روایات نیست که شاهد و گواه این مسأله است بلکه قرائن و نشانه‌هایی در دست است که اساس روایات را محکمتر می سازد.

روایات مجموعاً از کتب معروف و متقن شیعه و سنی برداشت شده و بیشتر روایات نبوی در کتب معروف بخاری و مسلم و ترمذی و ابی داود و مسند احمد حنبل و مستدرک حاکم می باشد مضافاً بر اینکه روایتی را که بخاری از پیغمبر نقل می کند که تعداد خلفای خود را منحصر در دوازده امام میکند خود، در زمان امام جواد و امام هادی و امام حسن عسکری می زیسته و این خود نشان گر آن است که روایت از پیغمبر نقل شده زیرا قبل از آنکه تعداد ائمه به دوازده

نفر برسد پیغمبر خلفای خود را در دوازده نفر منحصر ساخته است که خود بخاری با یازدهمین از آنها معاصر بوده است و این روایت و مشابه آن انعکاسی از واقع نمیباشد زیرا قبل از تکمیل عدد دوازده امام این حدیث در کتب روایات اسلامی منعکس بوده است و این خود نشانگر بیان يك حقیقت و تعبیری است از طرف خداوند که بوسیله فردی که سخنانش بر اساس وحی الهی است و هیچگاه روی اغراض شخصی و هواپرستی سخن نگفته بیان شده است آغاز این عدد امام علی بن ابیطالب و پیاپیانش مهدی منتظر فرزند امام حسن عسکری است .

۲- دلیل علمی :

این دلیل نتیجه تجربه هفتاد ساله مردمی است که در زمان غیبت صفری زندگی میکرده اند .

در این مرحله که آغاز زندگی امام مهدی ، رهبر امت اسلامی را تشکیل میدهد .

امام بصورت ظاهر از دیده های مردم پنهان بود ولی با قلب و فکر خود بایاران خودش هم آهنگ و همراه بود .

در این زمان که غیبت ناگهانی صورت یافت ملت اسلام در يك حالت بحرانی سختی قرار گرفت زیرا مدتها چنین عادت کرده بودند که مستقیماً با امام و رهبر خود در تماس باشند و مشکلات و وظائف خود را مستقیماً از امام به پرسند و جواب بگیرند ولی با این شرایط دشوار امام يك لحظه از امت اسلامی غافل نبود و تمام دستورات و مشکلات امت را بوسیله نایبان خاص خود بمردم میرساند در این مدت هفتاد سال چهار نفر نیابت خاص را بعهدہ داشتند که بعنوان رابط در تماس بودند .

این چهار نفر عبارت بودند از:

- ۱- عثمان بن سعید العمری
- ۲- محمد بن عثمان بن سعید العمری
- ۳- ابوالقاسم الحسین بن روح
- ۴- ابوالحسن علی بن محمد السمری

این چهار نفر هر کدام بترتیب پس از مرگ هر کدام جای دیگری را میگرفت و هر سؤال و مسأله‌ای را که از طرف شیعیان مطرح میشد با امام میگفتند و پاسخ را شفاهاً یا

کتاباً میگردانند و به آنان می‌رسانند تمام نوشته‌ها بایک خط
و بایک سیستم خاص از طرف حضرت صادر شده است .

سمری که آخرین نایب بشمار میرفت پایان مرحله
غیبت صغری و آغاز غیبت کبری را بمردم اعلام داشت و
گفت :

در این مرحله هیچکس با امام تماس نخواهد داشت و
بعنوان رابط بین حضرت و مردم نخواهد بود در این دوران
شیعه باید مشکلات خود را با نائین عام که مجتهدین
جامع الشرائط هستند در میان گذارند یعنی با مجتهدینی
که در کارهای دینی و دنیائی مردم آگاهی و بینش داشته
در تماس باشند تا آنان کتاباً یا شفاهاً بحل مشکلات
بپردازند و برای گسترش و شناسائی اسلام بکوشند و حافظ
و نگهدارنده نسل پیدار و آگاه اسلام بوده و در راه پیشرفت
هدفهای مقدس اسلامی با توده‌های آگاه همکاری کنند
و راهنمای ایشان باشند .

در مدت هفتاد سال که نائین خاص رابط بودند
کوچکترین خلافتی در گفتار و عملیات ایشان مشاهده

نگردید .

آیامی توان تصور کرد که آنان هفتادسال بدورغ و
خلاف مسأله نیابت را تعقیب کرده باشند ؟

چنین تصور و فکری در شیوه زندگی آنان راه نخواهد
داشت چگونه می توان این احتمال را داد درحالیکه در این
مدت همه در یک مسیر و بایک ایده و رأی و بایک منطق بدون
اینکه رابطه ای بین آنان باشد از جانب امام با مردم سخن
گفتند .

اگر واقعیتی در بین نبود مسلماً در این مدت لغزشهایی از
نظر گفتار و فکر و عمل از آنان سر می زد که در نتیجه
توده اسلامی را به رفتار خود بدبین می ساختند در
حالیکه در این مدت همه از اعتماد و اعتقاد و ایمان مردم
برخوردار بودند .

از نظر علمی بر اساس حساب احتمالات چنین چیزی
محال است که دروغی را بایک شکل خاص به مدت هفتادسال
در میان زندگی مردم راه یابد و مردم با اطمینان و اعتماد
قوی به آن بنگرند .

همچنین جریان غیبت صفری مانند تجربه علمی
جریان ولادت و زندگی و غیبت و نیابت عام در عصر غیبت
کبری برای ما اثبات میکند.

و نشان می‌دهد که امام مهدی به‌علی خود را به
مردم نمی‌شناساند تا روزی که فرمان شناسائی را بگیرد.

چرا امام زمان در مدت
غیبت قیام نکرد؟

چرا امام‌زمان در خلال مدت غیبت ظهور نکرد؛ فردی که خود را برای نجات جامعه از فساد آماده ساخته چه عاملی او را از این کار باز می‌دارد و او را برای مدت هفتاد سال رابطه مستقیم خود را قطع می‌کند پس در مرحله غیبت کبری برای مدت نا معلومی بکلی رابطه خود را با جامعه می‌برد در حالیکه قیام حضرت در دوران غیبت صغری و اوائل غیبت کبری از نظر موقعیت اجتماعی بهتر بود زیرا نیروی حاکمه آن روز از نظر تجهیزات و قدرت نظامی به درجه امر و زور رسیده بود در نتیجه قیام با موفقیت بهتری صورت می‌گرفت؟

پاسخ: تحول اجتماعی و نجات توده‌های ستمدیده از سلطه جباران تاریخ شرائط و زمینه‌های مساعدی می‌خواهد

انسان ممکن است در اندیشه این باشد که وقتی رسالت و مأموریت الهی باشد و نیروی لایزال الهی در کار فعالیت کند دیگر چه احتیاجی به عوامل و شرائط خاص مادی است ولی باید دانست که تمام تأییدات و کمکهای الهی از دریچه عوامل مادی صورت می گیرد و عوامل غیبی با عوامل مادی مربوطند به همین خاطر جهان ۵ قرن از دوران جاهلیت پشت سر گذاشت تا زمینه مساعدی برای رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وجود آمد یعنی در آن روز جهان تشنه و آماده پذیرش يك نجات بخش الهی بود .

این مطلب بدیهی است که نهضت وقتی به ثمر می رسد که جامعه پشتیبان و خواستار آن باشد بعنوان مثال تحولی که لنین رهبر انقلاب آلمان ایجاد کرد و در روسیه به پیروزی رسید قسمت مهمش زمینه مساعدی بود که جنک اول جهانی برایش فراهم ساخته بود .

سنت و شیوه الهی چنین است که خداوند همیشه از طریق علل و اسباب و ایجاد زمینه های مساعد کار می کند در آغاز يك جو مساعد و مناسبی ایجاد میکند سپس تحولی و تغییری

که خواستار است صورت میگیرد مانند آمدن اسلام پس از مدتی که قترت و فاصله ایجاد شد و همان قترت يك فضا و جو مناسب برای اسلام ایجاد کرد .

این عمل با عمل اعجاز که در مواردی خاص صورت میگیرد فرق دارد در آن حالت و وضع بحرانی و تصمیمات ناگهانی موارد خاص و استثنائی است که کار با يك تحرك و جهش صورت میگیرد و امدادها و کمکهای غیبی روی عوامل و شرائط طبیعی و عادی صورت نمیگیرد بلکه عنایات الهی بصورت يك جرقه و جهش ایجاد می شود مانند سرد شدن آتش نمرودیان بر ابراهیم یا از کار افتادن آن دست مرد یهودی که بالای سر پیغمبر اسلام شمشیر برهنه کشید؛ یا وزیدن باد سهمگین بر کفار و مشرکین مکه در جنگ خندق و ایجاد روح ترس و وحشت در دلهای ایشان و شکست و پراکندگی آنان .

بر این اساس قیام مهدی عجل الله فرجه بر اساس يك جریان طبیعی صورت خواهد گرفت از آنجا که امام منتظر رسالتش اصلاح جهانی در بردارد باید تمام جهان آماده پذیرش

نهضت داشته باشند زیرا اگر تنها لیاقت رهبر وجود زمینه
مساعد منطقه‌ای شرط بود در عصر پیغمبر اسلام وجود داشت
و در آن زمان چنین اصلاحی به دست توانای آنحضرت
صورت میگرفت ولی چون رسالت و مأموریت جهانی مهدی
بصورت خاصی است باید جهان دستخوش يك تحول دامنه
دار گردد، ظلم و ستم و افسردگی سراسر جهان فرا گیرد
فشارهای همه جانبه توده‌ها را در مسیر يك انفجار قرار دهد
تا با يك فریاد مصلح جهانی، عقده‌ها منفجر شود و توده‌ها
دست نیاز بسوی او دراز کنند و همگی رسالت او را بپذیرند.
با این آگاهی آن سئوالی که انسان از خود میکند
که چگونه امام با نیروی نظامی و تسلیحات جنگی جهان
امروز نهضتش به ثمر می‌رسد حل میگردد زیرا قدرتهای
جهان بزرگ گرچه از نظر قوای نظامی و شاخ و برگها و
تسلیحات جنگی غنی هستند ولی جهان گرفتار يك شکست
روحي است و با ویرانی اساس روح انسانی انسانها چگونه
می‌توانند از این شاخ و برگها بهره برداری کنند؛ روزی

که همه مردم جهان آرامش روحی خود را از دست داده
و در حالت حیرت و سرگردانی بسر می‌برند دیگر تسلیحات
جنگی برای انسانها سودی ندارند.

چگونه چنین رهبری میتواند

با پیروزی این دوره را پایان رساند؟

به دنبال پرسشهای گذشته سؤال دیگری مطرح
میشود و آن اینکه يك انسان هر قدر هم که نیرومند باشد
آیا می‌تواند این دوره بزرگ را به پایان رساند آیا تنها
همین انسان است که تحول و حرکت آفرینی دارد؟

پاسخ: این پرسش بر اساس این نظریه استوار است
که انسان عامل ثانوی است و نیروهای مادی که او را در
بر گرفته عامل اساسی است و انسان به هر نیروئی که باشد
باید به این عوامل مادی توجه داشته باشد.

ما در جاهای دیگری از نوشته‌های خود گفته‌ایم که

تاریخ دو قطب دربر دارد :

۱- انسان.

۲- نیروهای مادی که او را دربر گرفته.

همانطور که نیروهای مادی در انسان اثر میگذارد
و او را دگرگون می‌سازد انسان هم در نیروهای مادی اثر
میگذارد و عامل تغییر و دگرگونی میشود.

اگر فرض شود که حرکت از ماده آغاز میشود و به
انسان پایان می‌پذیرد به همان صورت و مقدار از انسان هم
حرکت و تغییر نسبت به ماده ایجاد میگردد.

در این صورت انسان و ماده هر دو در سیر و تحول تاریخ
مؤثرند بخصوص اگر ما رابطه غیبی و آسمانی انسان را
بحساب آوریم در این صورت رابطه غیبی و آسمانی نیرو-
مندترین عامل تحول و دگرگونی تاریخ است چنانکه این
عامل در تاریخ پیامبران به چشم می‌خورد حضرت محمد
ﷺ بر اساس رابطه الهی و غیبی به تنهایی يك حرکت
عمیق تاریخی ایجاد کرد و در مدت کوتاهی تمدنی را آفرید
که هیچ عوامل مادی که وی را دربر گرفته بود چنین
دگرگونی نمی‌توانست به این سرعت پیافریند و آنچه

که تحول و تغییر به دست پیغمبر بزرگ اسلام صورت گرفت
می تواند به دست رهبر آینده بشر که از دودمان او است
صورت گیرد.

۷

در عصر مهدی تحول
چگونه است؟

در پایان به آخرین سؤال می‌رسیم که چگونه قانون
حق و عدالت اجتماعی بر ظلم دستم پیروز میشود؟
پاسخ: برای آشنائی به پرسش، احتیاج به آگاهی
روز ظهور مهدی و خصائصی که در آن روز وجود دارد می-
باشد تا آنگاه به تحولاتی که در آن عصر صورت میگیرد
آگاه گردیم چون ما به درستی از آن روز آگاهی نداریم
نمی‌توانیم بر اساس يك آگاهی علمی قضاوت کنیم گرچه
می‌توان بر اساس فرضیات و تصورات فکری و ذهنی قضاوت
کرد.

تنها سخنی را که به روشنی می‌توان گفت این است
که تجربه‌های تاریخی از تحولات بزرگ و عمیقی که در محیط

انسانی و تاریخ بشری واقع شده به ما هشدار می‌دهد که آن زمان آمادگی پذیرش يك رسالت جدید و نودارد یعنی يك فضای باز و آماده روحی در جامعه به وجود می‌آید و این خود ثمره طبیعی تضادهای تاریخی است که قطع روابط معنوی و جدائی از خداوند و گردش بسوی فساد و تباهی يك محیط آماده به وجود آورده و آتشی را مشتعل ساخته که همه را در سوز گداز گذاشته است در این میان نور امید می‌درخشد و انتظار به پایان می‌رسد و مهدی برای انجام رسالت، خود را آشکار می‌سازد و با حمایت هواخواهان و توده‌های محروم و ستم‌دیده شعله‌های فساد خاموش می‌کند و بجای مقررات ظالمانه و وحشیانه عدالت اجتماعی جایگزینش می‌سازد در آن روز دیگر از انحرافات و تجاوزات و بدیها و ناامنیها خبری نیست همه جنبندگان با خیالی راحت و آسوده در سایه حکومت عادلانه مهدی به زندگی خود ادامه می‌دهند .

به انتظار آن روز